

سهامداران در اداره شرکتهای بزرگ فعال می‌شوند

یک از مدلها امتیازی بر دیگری ندارد. بحث واقعی بر سر این نیست که کدام مدل بهتری است، سهامداران بارها مشاهده کرده‌اند که هر دو سیستم در مقابل ضربه‌های خارجی و پیش‌بینی نشده آسیب‌پذیرند. در آمریکا و انگلیس در سالهای ۱۹۹۰ سهامداران شرکتها مواجه با برکناری قهرآمیز مدیران گاه به دلایل اقتصادی و گاه به سبب عدم توانائی آنها برای تطبیق دادن خود با فعل و انفعالات سیاسی بوده‌اند.

در ژاپن و آلمان علائمی از ایجاد تغییرات در مدل اداره گروهی شرکتها دیده می‌شود، نه به دلیل فقدان کارآئی مدل در گذشته بلکه به این علت که مدل ممکن است در آینده تأثیر و کارآئی و جذابیت خود را از دست بدهد. حقیقت آن است که مدلهای موجود در اداره گروهی شرکتها در عمل به تدریج به یکدیگر نزدیک می‌شوند، مهمترین دلیل آن جهانی شدن تولید و بازارهای مالی است، شرکتهایی که مدیریتی ناکارآ

دارند از هم اکنون در بازارهای محلی به و شکستهای پی‌درپی تن می‌دهند و مدیرانی که چشمی بر بازارهای جهانی دارند و از ظرفیت بالقوه آنها آگاهند در این میان شاید قادر باشند از طریق تحصیل اعتبارات بین‌المللی شرکت خود را از سقوط نجات دهند.

یک مانع مهم بر سر راه موفقیت اداره گروهی شرکتها، سیاست است، عدم موفقیت یک شرکت به دلیل فقدان کارآئی یک مدیر می‌تواند به برکناری او منجر شود، اما این عمل بخودی خود موفقیت شرکت را تضمین نمی‌کند بلکه موجی از احساسات ضد مدیر را در میان سهامداران برمی‌انگیزاند. علاوه بر این حسادهای ناشی از دستمزدهای گزافی که مدیران دریافت می‌کنند، و فاصله‌ای که این دستمزد با حقوق کارکنان شرکت دارد گاه موجب بروز اختلافاتی می‌گردد که به ناچار سیاستمداران به هواداری از کارکنان شرکتها وارد عمل می‌شوند. در

سالهای ۱۹۸۰ در آمریکا قوانینی برای محدود کردن اختیارات برکناری و جایگزینی مدیران به شیوه‌های قهرآمیز وضع شد. در آلمان و ژاپن مدیران را واداشته‌اند که با سهامداران و کارکنان شرکت به طور یکسان برخورد شود. در آمریکا و انگلیس نیز به تدریج این اندیشه شکل می‌گیرد که مدیران همان قدر در مقابل سهامداران مسؤولند که در برابر کارکنان، مشریان و واسطه‌های شرکت.

دخالت سیاستمداران تعارض‌هایی چند را بدنبال دارد، جابنداری از کارکنان و سهامداران جزه ناراضانی عمیق سهامداران عمده را موجب خواهد شد که می‌تواند از یک سو لطمه‌های شدید به منافع شرکت بزند و منجر به کاهش ارزش سهام شرکت شود و از سوی دیگر سرمایه‌گذاران جدید را از خرید سهام شرکت باز دارد. اما مزایای آن یعنی افزایش اشتغال و تشویق مردم عادی به خرید سهام و جلب مشتریهای بیشتر به

شرکت بر ناظران پوشیده نیست. گرچه سیاستمداران، بویژه در آمریکا همواره دربرخورد با سهامداران عمده با احتیاط عمل کرده‌اند، ولی از قدرت آراء سهامداران جزه نیز آگاه بوده‌اند، همین سهامداران جزه بارها با رأی خود از ورود نامزدهای عضویت هیأت مدیره شرکتها که از عملکردشان خرسند نبوده‌اند جلوگیری کرده‌اند و در مواردی حتی موجبات اخراج آنها را از شرکت هم فراهم آورده‌اند. سهامداران هنگام احساس بروز فساد در مدیرینها وارد عمل می‌شوند. در انگلستان بروز یک سلسله فساد و اختلاس و برداشت از حساب ذخیره بازنشستگی در شرکت رابرت ماکسول در سال ۱۹۹۱ باعث سلب اعتماد عمیق سهامداران از مدیران شرکت شد و این گروه با رأی خود توانستند کل مدیران سطح بالای شرکت را از کار برکنار کنند.

منبع: ۱۰ ژانویه
ترجمه: از سرویس ترجمه «گزارش»

جهان، دهان‌های باز و غذایی که هر روز کمتری شود

بانصد میلیون نفری کنونی کره زمین تأمین می‌شود»
براساس مطالعات این مؤسسه، کمبود آب از مشکلات اصلی کاهش مواد غذایی است. از سال ۱۹۸۴ تولید حبوبات در جهان ۸ درصد کاهش داشته است. خشکسالی از سال ۱۹۷۸ هفت درصد از زمین‌های مزروعی را غیرقابل استفاده کرده است و تولید گوشت از ۱۹۹۰ به بعد حدود یک درصد کاهش نشان می‌دهد.
این مؤسسه توصیه می‌کند: «یکی از مهمترین اقدامات ضروری جهان، توجه به مسأله رشد جمعیت و اتخاذ سیاست‌های عاجل در این زمینه می‌باشد»

توسعه است. جمعیت شهری جهان به سرعت در حال افزایش است. در سال ۲۰۰۰ حدود ۷۰ درصد از جمعیت در آمریکای جنوبی، ۴۱ درصد در آفریقا و ۳۵ درصد در آسیا، در مناطق شهری زندگی خواهند کرد.

این افزایش سریع در حالی اتفاق می‌افتد که منابع غذایی جهان پاسخگوی جمعیت رو به رشد نیست.

مؤسسه «ورلدوایج» در آمریکا ضمن انتشار این ارقام اعلام کرده است «هر سال نود و یک میلیون نفر بر جمعیت جهان افزوده می‌شود و این در حالی است که بخشی از نیازهای غذایی آنها فقط از طریق کاهش مواد غذایی جمعیت پنج میلیارد و

جمعیت جهان در سال ۱۹۷۵ بالغ بر ۴ میلیارد نفر شد. افزایش یک میلیارد نفر دیگر براین عده ۱۲ سال طول کشید و در سال ۱۹۸۷ جمعیت جهان به ۵ میلیارد نفر رسید.
برای نیمه اول سال ۱۹۹۲، جمعیت جهان ۵/۴۸ میلیارد نفر برآورد شده است. پیش‌بینی می‌شود که در سال ۱۹۹۸ جمعیت جهان به ۶ میلیارد نفر برسد. بدین ترتیب افزایش یک میلیاردی جمعیت جهان از ۱۹۸۷ به بعد، پس از گذشت فقط ۱۱ سال اتفاق می‌افتد. و بالاخره، پیش‌بینی شده است که در سال ۲۰۵۰، جمعیت جهان به ۱۰ میلیارد نفر برسد.
۹۰ درصد افزایش جمعیت جهان مربوط به کشورهای در حال

در ژوئیه سال ۱۹۸۷، جمعیت کره زمین به ۵ میلیارد نفر رسید. از سال ۱۹۷۵ تا ۱۹۸۷، در طی ۱۲ سال، یک میلیارد نفر به جمعیت کره زمین افزوده شده بود! در سال ۱۸۳۰، کره زمین، یک میلیارد نفر جمعیت داشته است. پس از گذشت ۱۰۰ سال، در سال ۱۹۳۰ جمعیت جهان به ۲ میلیارد نفر رسید، و این یعنی آنکه برای دو برابر شدن جمعیت جهان، ۱۰۰ سال وقت لازم بوده است. در سال ۱۹۶۰، یعنی پس از گذشت ۳۰ سال، یک میلیارد نفر دیگر به جمعیت کره زمین افزوده شد و عده ساکنین زمین به ۳ میلیارد نفر رسید. افزایش یک میلیارد نفر دیگر، پس از ۱۵ سال اتفاق افتاد و